

# سرگذشت داش مشتی هادر مشهد

داش مشتی ها یا لوطی های یکی از گروه های مهم در ساختار اجتماعی دهه های گذشته بودند که اکنون اثری از آن ها نیست اما مطالعه تاریخچه آن ها به ویژه در دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی در مشهد و سرگذشت آن ها پس از پیروزی انقلاب نکات جالب توجهی را به ما نشان می دهد.

به گزارش سایت دانشنامه مشهد الرضا (ع)، تغییر ساختار اجتماعی ایران در سال های پس از مشروطه، تعاریف ساختاری بسیاری از طبقه ها و گروه های جامعه را با دگرگونی های عمده مواجه کرد. یکی از این مجموعه ها که سطح تاثیر شرایط اجتماعی در آن به حدی بود که می توان مدعی شد در اغلب موارد جایگاه نحوه حضور آنان تا حد زیادی قلب ماهیت شده و تنها پوسته ای از وجود تاریخی آن بر کالبدی جدید کشیده شده، جامعه «لوطیان و داش مشدی ها» بود.

مردانگی، پافشاری بر اصول اخلاقی، عزت و اراده راسخ، امانتداری، صداقت، شجاعت، سخاوت، مهمان نوازی، مدارا با مردم، عیب پوشی، اخلاص، حمایت از مظلومان و مقاومت در برابر ظالمان و دوستی علی (ع) را بر دوستی هر فرد دیگری ترجیح دادن، از جمله اصول و خصلت هایی بود که عیاران و لوطی ها در طول زمان با آن ها شناخته شده و با پایبندی به همین امور، در طول زمان جایگاه ویژه ای برای خود ایجاد کرده بودند؛ اما همین امور در سال های پس از مشروطه به ویژه عصر پهلوی دوم رنگ باخته و به صفاتی مذموم در بین اغلب مدعیان لوطی گری و داش مشدی بودن تبدیل شد. این امر تاحدی اوج گرفت که شعبان جعفری «بزن بهادر» بزرگ و سر دسته چماقداران وابسته به دربار در کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، سکاندار لوطیان پایتخت و به تبع آن کل کشور شدو خود را میراث دار افراد پاک نفسی چون لوطی صالح دانست.

##### ● حسین جناغ

وضعیت مدعیان لوطی گری در مشهد نیز که دیر زمانی پس از درگیری های حیدری و نعمتی عصر شاه عباس به پایتخت عیاران تبدیل شده بودو اصطلاح داش مشدی به عنوان مترادف عیار و لوطی نیز سوغات آن دوران است، تابعی از پایتخت بود. البته این تابعیت تنها در دوران اوج پهلوی ها حفظ شدو گر نه هیچ کدام از هم کاسه های شعبان جعفری در مشهد، توانستند مانند او همزمان با هنگامه انقلاب از کشور فرار کرده و روزگاری تاحدی راحت در فرنگ داشته باشند. نمونه بارز این ادعا، حسین جناغ است؛ مردی که به هنگام حضور خاندان پهلوی در مشهد، نقش شعبان را به عهده می گرفت و با موتور تریل خود در پیشاپیش اسکورت حرکت کرده و محافظان موظف به اطاعت از دستور های او بودند. این فرد در مواجهه با انقلاب مردمی سال ۵۷ چماق دار رژیم شد و با توجه های خود که اغلب به خدمت ساواک در آمده بودند، در سرکوب مردم مبارز شرکت کرد. حسین جناغ پس از انقلاب تا حدی از چشم مردم افتادو مجبور شد برای گذران زندگی در منطقه عدل خمینی مشهد که روزگاری قلمرو حکومتی او محسوب می شد، با شغل تعمیر کاری موتورسیکلت، امرار معاش کند.

##### ● حاجی قدم

سرنوشت حاجی قدم داش بزرگ منطقه حد فاصل بالاخیابان و طبرسی مشهد که پاتوقش بازارچه های اطراف حرم، بسیار رفت بارتر از هم صنف عدل خمینی نشینش بود. او که با ظاهر قیصرمآبانه خود، نماد کامل یک کلاه مخملی و داش مشدی عصر پهلوی دوم محسوب می شد، پس از آن که به عنوان یکی از سر دسته های چماقداران رژیم پهلوی موفق به حفظ آن در برابر موج خروشان مردم نشد، به مسافر خانه داری



روی آورد. البته مردمی که از اعمال نادرست وی و توجه هایش در سال های حکومت پهلوی زخم ها در سینه داشتند، با اقدامات گوناگون نه تنها مانع تسلط حاجی قدم بر این صنف شدند، بلکه آن چنان روزگار را برای او سخت کردند که در اواخر عمر شغل یخ فروشی را پیشه خود کرده بود.

##### ● حاجی لته

حاجی لته دیگر داش بزرگ مشهد در آن دوران محسوب می شد که حدفاصل بالاخیابان و خیابان خسروی را در زیرید خود داشت؛ منطقه ای که دارای بازارچه های متعدد و چند مسافر خانه بود. البته او و فرزندانش حتی این شانس را نداشتند که تا پایان عهد پهلوی حاکم محدوده خود باشند؛ زیرا مخالفت وی با اقدامات اصلاحی عبدالعظیم ولیان نایب التولیه مشهد در سال های آغازین دهه ۵۰، باعث شد تا ماموران دولتی تخریب مسافر خانه حاجی لته را در حالی که وی و فرزندانش در آن سنگر گرفته بودند آغاز کنند؛ امری که هر چند در جریان آن آسیب فیزیکی به وی وارد نشد، اما دیگر جایگاهی برایش باقی نگذاشت و دیگر کسی

##### ● لوطیانی که ختم به خیر شدند

البته بین آخرین نسل داش ها و لوطی های مشهد، بودند افرادی که با نام نیک از میان مردم رفتند. رضا گاو یکی از این افراد بود؛ مردی قدبلند که روزگاری میدان شهدای مشهد را تحت سیطره داشت و قهوه خانه او در ابتدای خیابان امام خمینی (ره)، عصر ها و همزمان با اجرای نقالی محل رتق و فتق اختلافات گروه ها و دسته های مختلف لوطی های شهر محسوب می شد.

او در جریان انقلاب همراه با توجه هایش در کنار مردم قرار گرفت و به محافظت از علما و مراجع مبارز وقت چون آیات عظام سیدعبد... شیرازی و سید حسین قمی پرداخت. رضا گاو با گذشت چند سال پس از انقلاب به دلیل کبر سن قهوه خانه خود را جمع کرد و ایفای نقش حکمیت خود را به منزل منتقل کرد. البته برپایی مجالس عزای امام حسین (ع) و دستگیری از مستمندان نیز، از جمله اموری بود که تا پایان عمر از آن ها غافل نشد.

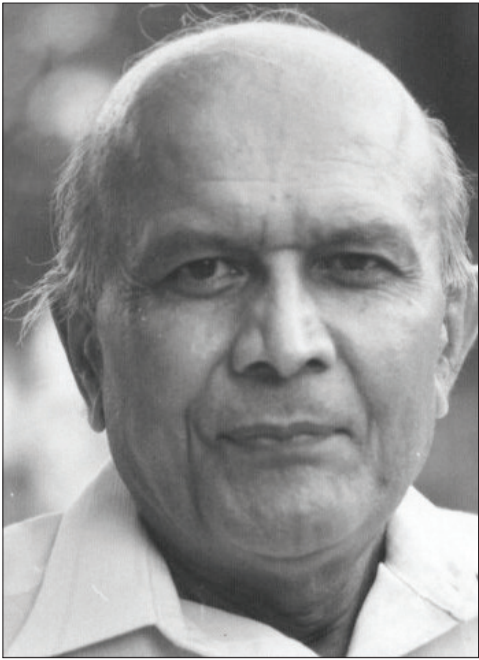
دیگر فردی از جامعه لوطیان مشهد که می توان مدعی عاقبت به خیری او شد، کسی جز مهدی تاجیک داش بزرگ منطقه عامل و مطهری مشهد نیست. اغلب مردم او را تا زمان فوت ناگهانی اش تنها به عنوان یک لوطی و بزن بهادر منطقه می شناختند، اما مراسم تشییع جنازه او پرده از نا گفته های زندگی او برداشت. مراسمی که در آن بسیاری از علمای شناخته شده مشهد حاضر شدند و زنان بیوه و اطفال یتیم بسیاری در آن گریه کردند که با رفتن او دیگر فردی نیست که با کمک های پنهانی خود آنان را در سختی های زندگی یاری کند.

##### ● شهادت، سرنوشت یک لوطی!

سرانجام خارج از لوطی گری دانستم که این متن را به پایان رسانده و اشاره ای به

##### مشاهیر مشهد

## موسس دانشکده ادبیات در مشهد



دکتر غلامحسین یوسفی در دوم بهمن ۱۳۰۶ در مشهد به دنیا آمد. او پس از گذراندن دوره ابتدایی و متوسطه، برای ادامه تحصیل در رشته زبان و ادبیات فارسی به تهران رفت و در سال ۱۳۳۵ دوره دکتری خود را به پایان رساند. با تأسیس دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد در سال ۱۳۳۴ و دعوت از او برای تدریس، به مشهد بازگشت. او در راه اندازی دوره های فوق لیسانس و دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی نقش اساسی داشت.

از دکتر یوسفی بیش از ۲۰ عنوان کتاب به یادگار مانده است که شماری از آن ها جوایز ارزنده ای را برای او به ارمغان آوردند. در سال ۱۳۶۹ جایزه ادبی موقوفات دکتر محمود افشار به آثار ارزنده و پژوهش های بدیع او تعلق گرفت. از فعالیت های تخصصی یوسفی تصحیح متون کهن بود که در این راه گام های مؤثری در ادبیات ایران برداشته است. وی همچنین با هدف تحقیق و پژوهش سفرهایی به فرانسه و انگلستان و آمریکا نیز انجام داد. یوسفی در سال ۱۳۶۹ و در ۶۳ سالگی درگذشت و در حرم مطهر امام رضا (ع) به خاک سپرده شد. کتاب فرخی سیستانی در سال ۱۳۴۱ به عنوان کتاب سال، تصحیح قابوسنامه در سال ۱۳۴۵ به عنوان تصحیح سال و ترجمه کتاب شیوه های نقد ادبی در سال ۱۳۷۶ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی برگزیده شد. هفت سکه بهار آزادی به یوسفی تعلق گرفت و ی طی نامه ای به وزیر فرهنگ و ارشادان او وقف دانشکده ادبیات فارسی دانشگاه مشهد کرد تا به دانشجویانی که در زمینه نقد ادبی تحقیق شایسته ای انجام دهد اهدا شود.

در سال ۱۳۶۹ دومین جایزه تاریخی و ادبی دکتر محمود افشار برای زبان فارسی به وی تعلق گرفت. به باور بزرگان ادب و فرهنگ ایران یوسفی گام های بلندی در راستای ارتقای ادبیات ایران برداشت. یکی از زمینه های مورد علاقه او تصحیح متون بر پایه دقیق ترین شیوه های علمی بود. از ویژگی های وی تسلط بر ادبیات عرب و فرانسه بود که وی را از سایرین ممتاز می کرد.

در دید گاه وی مهم نبود که مخاطب کیست و زمینه موضوعی نوشته های او چیست، مهم آن بود که امانت، دقت و متانت در حد اعلای رعایت شود. گاهی برای این که در یابد درباره کتابی که تصحیح می کند یا مطلبی که می نویسد چه کاری انجام داده است از هر کس و هر جایی سؤال می کرد. هر کس کوچک ترین کمکی به او در نوشتن کتاب یا تحقیقاتش می کرد در مقدمه کتاب از او یاد و تشکر می کرد، چنان وسواسی در صحت کارش داشت و نگران بود مبادا اشتباه کند و خواننده دچار خطا شود که تا نگرانی اش بر سر یک نکته کاملاً رفع نمی شد بر سر نکته دیگری نمی رفت.

عرصه دومی که دکتر یوسفی در آن دید بیضایی در خور توجه تحسین داشت، نقد ادبی بود. وی بانگارش کتاب های ممتازی

## محله اعیان نشین مشهد قدیم



اشاره کرد.

محل استقرار کنسولگری آمریکا در محله چهار باغ، کوچه پنجه و در منزل شخصی به نام کوزه کنانی بود. آمریکایی ها تا قبل از سال ۱۳۲۰ شمسی حضور سیاسی در مشهد نداشتند و به گفته ارتور میلسیو مستشار آمریکایی فعالیت رسمی دولت آمریکا در مشهد در زمان ماموریت دوم او به ایران آغاز شد. در اسفند ۱۳۲۵ چند تن از متخصص های آمریکایی به منظور مطالعه و تهیه نقشه اقتصادی به ایران آمدند و وارد شهر مشهد شدند. تعداد آمریکایی ها در شهر مشهد و در سال های پس از جنگ جهانی رو به فزونی نهاد به همین دلیل آمریکایی ها با توجه به جایگاه مهم شهر مشهد تصمیم گرفتند در این شهر کنسولگری تأسیس کنند. مقدمات تأسیس کنسولگری آمریکا در شهر مشهد در بهمن ماه ۱۳۲۷ آغاز شد و در پانزدهم خرداد سال ۱۳۲۸ رسماً کنسولگری آمریکا در مشهد گشایش یافت. نخستین نماینده سیاسی آمریکا در مشهد جان هانری والتر بود که با سمت کنسولار وارد مشهد شد.

کوچه های تاریخی محله چهار باغ عبارتند از: کوچه شوکت الوله، کوچه پنجه، کوچه هراتی، کوچه امیر تیمور، کوچه دالان ملک، کوچه چهل پایه، کوچه قمی، کوچه میر علم خان، کوچه کنسولگری و کوچه حوض نو.

خانه های تاریخی محله چهار باغ عبارتند از: خانه کوزه کنانی با قدمت قاجار که زمانی کنسول گری آمریکا بوده است، خانه ترکمن ها و خانه مجتهدزاده. مسجدهای معروف بسیاری در این محله بودند که از جمله آن ها می توان به مساجد حاج فرهاد، صدیقی ها، رضائیه، شاه، حوض نقاشی، الهادی و سلیمانی اشاره کرد

مدرسه علمیه سلیمان خان، مسجد صدیقی ها، خانه کوزه کنانی، مسجد و حمام شاه از مکان های تاریخی این محله است.

در گذشته در مجاورت این محله کاروانسراهای بسیاری بودند که از جمله آن ها می توان به کاروانسراهای ملک، جعفرزاده و چوب بر ها اشاره کرد.

این محله دارای حوض انبار های تاریخی نیز بوده است که از جمله آن ها می توان به حوض انبار نقاشی

محله چهار باغ مشهد از شمال به خیابان شیرازی (بالا خیابان) و در مجاورت باتیل محله، از شمال غربی و غرب در مجاورت بازار مرکزی فعلی و کوچه تلفن خانه (مخابرات) و ادامه خیابان اخوند خراسانی تا چهار راه نادری و مجاورت با محله سراب و بالا خیابان (این محله قبل از کشیده شدن این خیابان به محله سراب متصل بوده است)، از شرق به حرم مطهر رضوی و از جنوب و جنوب غربی در مجاورت بازار بزرگ و کوچه شوکت الدوله و محله سرشور واقع شده است.

در قرن نهم هجری، به دستور شاه رخ تیموری باغ و کاخ سلطنتی باشکوهی در غرب حرم ساخته می شود و بعدها این مکان به چهار باغ موسوم می گردد در اطراف این باغ محله ای والی نشین نیز به نام چهار باغ شکل می گیرد که محل سکونت اعیان و اشراف شهر مشهد می شود و تا ۵۰ سال و اوایل حکومت پهلوی حالت اعیان نشین خود را حفظ می کند. علاوه بر وجود چهار باغ این محله دارای باغ ها و خانه های بزرگی نیز بوده است که هر کدام از این خانه ها در داخل خود باغ و فضای سبز داشتند.